نگاه

روسیه آمریکا را تعدیل کند

داود هرمیداس‌باوند
کارشناس روابط بین‌الملل

روسیه درحال‌حاضر و بعد از بحران اوکراین و تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برد. این تحریم‌ها در ارزش پول ملی این کشور بسیار تاثیر داشت. علاوه بر آنکه در این سال‌ها، در بازارهای جهانی شاهد کاهش قیمت نفت و گاز بودیم و این در حالی است که بیش از ۱۰.۵ درصد درآمد ارزی روسیه از طریق فروش گاز و نفت حاصل می‌شود. این به آن معناست که روسیه در شرایط اقتصادی بسیار نامطلوبی به سر می‌برد. اتحادیه اروپا و آمریکا ظاهرا برداشته‌شدن تحریم‌ها را منوط به مذاکرات آینده اعلام کرده‌اند. بنابراین مسئله اقتصاد روسیه در وضعیتی نیست که بتواند کمک مؤثری به دیگر کشورها کند. تنها موفقیتی که روسیه داشته، در نگاه به شرق بوده و قراردادهایی منعقد کرده تا در سیبری، سرمایه‌گذاری مشترکی در عرصه نفت پایه‌گذاری کند. این کشور با ترکیه به توافق رسیده تا از طریق ترکیه نفت و گاز به بالکان منتقل کند. اخیرا خبر با ایران در آستانه انعقاد قراردادی است که ایران به روسیه نفت بفروشد که رقم درخورتوجهی است. در زمان شاه هم قرار بود ایران نفت به روسیه بفروشد که روسیه از آن طریق، نفت ایران را به کشورهای اروپایی منتقل کند. اما با وقوع انقلاب این اتفاق متوقف شد. بنابراین بهبود روابط اقتصادی روسیه منوط به آن است که با مذاکره تحریم‌های اوکراین برداشته شود. بدون تردید برداشتن تحریم‌ها سبب می‌شود شکوفایی در اقتصاد روسیه پدیدار شود، چنانچه قبل از تحریم هم با ارتباطی که اتحادیه اروپا به‌ویژه آلمان‌ها با روس‌ها داشتند، وضعیت اقتصاد روسیه نسبتا ارتقا پیدا کرده بود. بنابراین همه‌چیز اکنون بستگی به توافقی دارد که در لوزان آن، چه شرایطی برای روسیه در زمینه برداشتن تحریم‌ها ایجاد شود و روسیه هم آن را بپذیرا باشد. اما درحال‌حاضر بهبود روابط روسیه و آمریکا را مؤثر بر اقتصاد خاورمیانه تعبیر نمی‌کنم. روسیه درباره ایران هم سعی کرده تجارت خود را گسترش دهد و با ایران هم قراردادهایی برای ایجاد تکنولوژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌جویانه و خرید هواپیماهای جدید منعقد کرده است. روسیه در تلاش است برای وضعیتی که به سبب تحریم‌های غرب به وجود آمده بتواند از طریق کشورهای شرقی به‌ویژه چین، هند، ایران و ترکیه اوضاع خود را جبران کند. به‌ویژه آنکه قراردادهای اقتصادی در سطوح بالا با چین برای بهره‌برداری از نفت سیبری منعقد کرده است. همچنین ترکیه سعی می‌کند در حل بحران سوریه، جایگاه ویژه‌ای برای خود به‌عنوان نقش میانجیگری بین مخالفان با روسیه فراهم کند. تمام هم‌وغم روسیه هم آن است که پیروزی در فرایند مسئله سوریه به دست آورد. این پیروزی را، روسیه نیک می‌داند که باید با توافق آمریکا باشد. برای روسیه حل این معضل اولویت دارد و فعلا هم ترکیه نقش میانجیگری ایفا می‌کند. در تصمیم‌گیری نهایی، نقش روسیه، آمریکا و ترکیه بیشتر مشخص خواهد بود.

و ایران عملا در حاشیه قرار خواهد گرفت. در رابطه با نزدیکی تروئیکا و ترامپ و اینکه آیا این نزدیکی می‌تواند در لوای تاثیری که با افزایش قدرت روسیه در منطقه می‌گذارد، موجب افزایش قدرت اقتصادی ایران هم شود، باید گفت «بعید می‌دانم». اگر روسیه از ایران مانند سابق استفاده ابزاری نکند و سعی کند برای تعدیل روابط ایران و روسیه تلاش و موضع مخالف آمریکا را تعدیل کند، می‌تواند روی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تاثیر بگذارد. چراکه آمریکایی‌ها اخیرا تحریم‌های یکجانبه‌ای را نسبت به ایران آغاز کرده‌اند و گفتند تحریم‌های بیشتری را هم اعمال خواهند کرد. بنابراین تحریم‌های یکجانبه مضاعف آمریکا به این ترتیب خواهد بود که اگر دیگران در این عرصه‌ها سرمایه‌گذاری کنند، در آمریکا تحریم خواهند شد. کشورهای اروپایی هم ارتباطات گسترده‌ای با آمریکا دارند. آنها ممکن است از این وضعیت ناراضی باشند، اما به ناچار مجبور رعایت شدند. بنابراین امکان سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی خارجی بعد از برجام، اگر آمریکایی‌ها به همین منوال پیش بروند، برقرار نخواهد شد و اروپایی‌ها به تبع آمریکایی‌ها خطوط بیشتری را رعایت خواهند کرد و از برخی سرمایه‌گذاری‌ها در ایران در حوزه انرژی می‌کنند.

اگر روابط آمریکا و روسیه سر مسئله سوریه به صورتی نقد که تعدیلی در نگاه آمریکا به جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود، این امر سبب می‌شود جذب سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی به‌ویژه از طریق کشورهای اروپایی که موردنظر ایران است، انجام شود. اگر چنین شود، مشکلات ما باقی خواهد ماند. زیرا تکنولوژی پیشرفته‌ای را که ایران نیاز دارد غرب و به‌ویژه آمریکا در اختیار دارد. بنابراین در درجه اول نیاز ما به سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف است.

در کلیت ممکن است بگویم:

۱. در این معامله، ایران چه موقعیتی پیدا می‌کند؟

ایران به روسیه درحال‌حاضر به یکدیگر نیاز دارند. هرچند میزان این نیاز متقابل، کاملا یکسان نیست. با کمتدن یا رفع نیاز روس‌ها به ما، ممکن است آنها سر بزنگاه بر سر ما معامله نکنند.

۲. درحال‌حاضر روابط ایران و روسیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نوع روابط تهران و مسکو درحال‌حاضر بسیار پوکالتی است با صفحه امنیتی. بنق ناف هم. سوریه است. تا این بنق ناف باز نشده، و ایران عملا در حاشیه قرار خواهد گرفت. در رابطه با نزدیکی تروئیکا و ترامپ و اینکه آیا این نزدیکی می‌تواند در لوای تاثیری که با افزایش قدرت روسیه در منطقه می‌گذارد، موجب افزایش قدرت اقتصادی ایران هم شود، باید گفت «بعید می‌دانم». اگر روسیه از ایران مانند سابق استفاده ابزاری نکند و سعی کند برای تعدیل روابط ایران و روسیه تلاش و موضع مخالف آمریکا را تعدیل کند، می‌تواند روی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تاثیر بگذارد. چراکه آمریکایی‌ها اخیرا تحریم‌های یکجانبه‌ای را نسبت به ایران آغاز کرده‌اند و گفتند تحریم‌های بیشتری را هم اعمال خواهند کرد. بنابراین تحریم‌های یکجانبه مضاعف آمریکا به این ترتیب خواهد بود که اگر دیگران در این عرصه‌ها سرمایه‌گذاری کنند، در آمریکا تحریم خواهند شد. کشورهای اروپایی هم ارتباطات گسترده‌ای با آمریکا دارند. آنها ممکن است از این وضعیت ناراضی باشند، اما به ناچار مجبور رعایت شدند. بنابراین امکان سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی خارجی بعد از برجام، اگر آمریکایی‌ها به همین منوال پیش بروند، برقرار نخواهد شد و اروپایی‌ها به تبع آمریکایی‌ها خطوط بیشتری را رعایت خواهند کرد و از برخی سرمایه‌گذاری‌ها در ایران در حوزه انرژی می‌کنند.

۳. آیا واقعا تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپایی آن‌قدر مؤثر بوده که برگ‌برنده‌ای برای ترامپ باشد؟

بله، خیلی تاثیرگذار بوده؛ اقتصاد کم‌بنیه روسیه نتوانن‌تر شده. مجموع صادرات سالانه روسیه حتی به ۳۵۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد. صادرات کشورهای درجه‌دوم اروپایی بیش از این است. عمده صادرات روسیه به دو قلم خلاصه می‌شود: مواد خام و اسلحه. صادرات اسلحه در روسیه و توسعه اقتصادی کشور واردکننده نفتن نداره و زنجیره ارزش، خلق نمی‌کند. صادرات مواد خام هم خام‌فروشی است. این ضعف و آسیب‌پذیری شدید موجب شد که در شروع تحریم‌ها، روبل سقوط آزاد کند و بیش از ۵۰ درصد از ارزش آن کم شود.

۴. روسیه با ترکیه نیز مراودات اقتصادی دارد که این مراودات در مدت‌زمان محدودی با تنش و تحریم مواجه شد. ما درادامه دیدیم بیش تمایلی به طولانی‌شدن قطع تجارت با ترکیه از خود نشان ندادند و با ازسرگیری این روابط موافقت کرد. آیا این مسئله ناشی از همان خطر اتحاد اقتصادی روسیه و بدایل دیگری داشت؟

مسلما ضعف اقتصادی بی‌تاثیر نبوده؛ ولی نقش معادلات سیاسی و امنیتی نیز بزرگ بود. روسیه وارد خاورمیانه شده بود و نمی‌خواست کنونی را که نیویی تاثیرگذار در اینه واقعنی وارد کند. ازسرگیری تجارت بین مسکو و آنکارا را باید سه‌بُعدی دید که یکی اقتصادی و دو بُعد دیگر سیاسی و امنیتی است.

۵. با این اوصاف، روسیه در مقابل ترکیه‌ای که هویاییمان را سرنکون می‌کند و سفیرش در بایتخت آن کشور به قتل می‌رسد و.... به این آسانی و به دلیل منافع سیاسی – اقتصادی کوتاه می‌آید. بنابراین محتمل است به‌دلیل همان منافع سیاسی –اقتصادی، در مقابل آمریکا آسان‌تر وارد معامله شود؛ چه‌بسا این معامله بر سر ایران و خاورمیانه باشد. نظر شما چیست؟

برخلاف شوروی سابق ایدئولوژیک روسیه، امروز تصمیم را اخذ می‌کند که ضامن منافع ملی‌اش است. سیاست‌مدار واقع‌گرا، شرایط میدانی را می‌سنجد و براساس چوب خط منافع ملی، کنشگری می‌کند و با واکنش بنادگرایی اسلامی است. خیلی از کنیوهایی که در سوریه و عراق می‌جنگند، این کار را می‌کند. سیاست واقع‌گرا (رئال‌پلیتیک)، نه‌به‌معرفتی سیرتش می‌شود و به واقع‌نیمه‌رادش ایانی دارد. نه کسی را دوست دانمی می‌داند نه با کسی را تا ابد دشمن است و منافع دائمی دارد. پوتین تاکنون خود را زمامداری واقع‌بین، عمل‌گرا و به دور از قیدوبندهای ایدئولوژیک نشان داده است. درعین‌حال، اقتصاد نحیف روسیه به ترمیم و توقیع نیاز دارد. ادامه مشکلات سیاسی و امنیتی روسیه، اوضاع اقتصادی این کشور را بدتر خواهد کرد. به کمانم روس‌ها از این آسیب‌پذیری آگاهند و نسبت به پیامدهای سوء آن حساس هستند.

۶. بنابراین احتمال یک معامله سیاسی- اقتصادی بین آمریکا و روسیه وجود دارد.

در کلیت محتمل است.

۷. در این معامله، ایران چه موقعیتی پیدا می‌کند؟

ایران به روسیه درحال‌حاضر به یکدیگر نیاز دارند. هرچند میزان این نیاز متقابل، کاملا یکسان نیست. با کمتدن یا رفع نیاز روس‌ها به ما، ممکن است آنها سر بزنگاه بر سر ما معامله نکنند.

۸. درحال‌حاضر روابط ایران و روسیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نوع روابط تهران و مسکو درحال‌حاضر بسیار پوکالتی است با صفحه امنیتی. بنق ناف هم. سوریه است. تا این بنق ناف باز نشده، و ایران عملا در حاشیه قرار خواهد گرفت. در رابطه با نزدیکی تروئیکا و ترامپ و اینکه آیا این نزدیکی می‌تواند در لوای تاثیری که با افزایش قدرت روسیه در منطقه می‌گذارد، موجب افزایش قدرت اقتصادی ایران هم شود، باید گفت «بعید می‌دانم». اگر روسیه از ایران مانند سابق استفاده ابزاری نکند و سعی کند برای تعدیل روابط ایران و روسیه تلاش و موضع مخالف آمریکا را تعدیل کند، می‌تواند روی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تاثیر بگذارد. چراکه آمریکایی‌ها اخیرا تحریم‌های یکجانبه‌ای را نسبت به ایران آغاز کرده‌اند و گفتند تحریم‌های بیشتری را هم اعمال خواهند کرد. بنابراین تحریم‌های یکجانبه مضاعف آمریکا به این ترتیب خواهد بود که اگر دیگران در این عرصه‌ها سرمایه‌گذاری کنند، در آمریکا تحریم خواهند شد. کشورهای اروپایی هم ارتباطات گسترده‌ای با آمریکا دارند. آنها ممکن است از این وضعیت ناراضی باشند، اما به ناچار مجبور رعایت شدند. بنابراین امکان سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی خارجی بعد از برجام، اگر آمریکایی‌ها به همین منوال پیش بروند، برقرار نخواهد شد و اروپایی‌ها به تبع آمریکایی‌ها خطوط بیشتری را رعایت خواهند کرد و از برخی سرمایه‌گذاری‌ها در ایران در حوزه انرژی می‌کنند.

۹. اگر روابط آمریکا و روسیه بر سر ایران و احتمال محاصره اقتصادی کشور و تاثیرش بر قیمت نفت سؤال می‌کنم، ابتدا مکث می‌کنند، عینکش را پاک می‌کند، جرعه‌ای چای می‌نوشد و چنین پاسخ می‌دهد: «من اگر دانی‌جان نایلئون بودم، می‌گفتم اینها ترامپ را سر کار آورده‌اند تا ایران را تحریم نفتی کنند و به واکنش‌های تند، نظیر بستن تنگه هرمز وادارد و به‌این‌ترتیب، موجب افزایش شدید قیمت نفت شود. آنگاه آمریکا برای برداشتن ممنوعیت ۴۰۰ساله صادرات نفت خود، توجیه کافی پیدا کند و بیاید و کمبود عرضه را جبران کند و از قبل افزایش قیمت نفت، پول کلانی هم به جیب بزند، غلامرضا نظربلند، اقتصاددان و سفیر اسبق ایران در سریلانکا، با لهجه شیرازی‌اش درباره احتمال معامله روسیه با آمریکا، می‌گوید: هیچ چیزی در سپهر سیاست غیرممکن نبوده و بعید نیست روسیه، ایران را با چند امتیاز اقتصادی – سیاسی، آن هم از نوع آمریکایی‌اش معاوضه کند. نظربلند که اقتصاددانِ سیاست‌مدار است، عرضم این است که بنیه اقتصادی ما آمادگی تحمل جنگ دیگری را ندارد. بررسی تاثیرگذاری تحریم‌ها بر بدنه اقتصادی روسیه، معامله بر سر ایران سر بزنگاه، احتمال محاصره اقتصادی ایران، نقش ایران در نزاع اقتصادی – تجاری آمریکا و چین و درنهایت تاثیر وقای ملی در کاهش هزینه‌های اقتصادی کشور، از جمله مباحث دیگری است که در این مصاحبه مطرح شده.

۱۰. با رویکارآمدن دونالد ترامپ شاهد تصمیماتی در حوزه اقتصادی از سوی او هستیم. ماهیت این تصمیمات بیشتر شبیه نوعی دلواپسی اقتصادی است. آیا به نظر شما می‌توان کفت دوباره تجارت و اقتصاد دونالد ترامپ هم‌سنخ با تحریم اقتصادی روسیه از سوی آمریکای اوباما و اروپاست یا خیر؟

خیرا اوباما و ترامپ از دو خاستگاه، دو رویکرد و دو پایگاه فکری متفاوتند. ترکیب سبد آرای آن دو نیز متفاوت است.

۱. مجموعه تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا علیه روسیه، ادامه راه را برای ترامپ هموار کرده یا دشوار؟

بیشتر هموار کرده است. ترامپ بدون آنکه هزینه‌ای کرده باشد، وارث برگی شده که می‌تواند با آن بازی کند و با یک بده‌بستان، تحریم‌ها را کاهش دهد یا لغو کند. از سوی دیگر، شرایط جدید در عرصه‌های کنوانکوس بین‌المللی، پوتین را در وضعیت مناسب‌تری قرار داده و او تحت این شرایط برای برداشتن تحریم‌های علیه کشورش دستش خالی نیست. درحقیقت، جمع جبری به‌نفع روسیه شده و الان هر دو طرف، برگ‌های خود را دارند و این برای جهان بهتر است.

۲. آیا واقعا تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپایی آن‌قدر مؤثر بوده که برگ‌برنده‌ای برای ترامپ باشد؟

بله، خیلی تاثیرگذار بوده؛ اقتصاد کم‌بنیه روسیه نتوانن‌تر شده. مجموع صادرات سالانه روسیه حتی به ۳۵۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد. صادرات کشورهای درجه‌دوم اروپایی بیش از این است. عمده صادرات روسیه به دو قلم خلاصه می‌شود: مواد خام و اسلحه. صادرات اسلحه در روسیه و توسعه اقتصادی کشور واردکننده نفتن نداره و زنجیره ارزش، خلق نمی‌کند. صادرات مواد خام هم خام‌فروشی است. این ضعف و آسیب‌پذیری شدید موجب شد که در شروع تحریم‌ها، روبل سقوط آزاد کند و بیش از ۵۰ درصد از ارزش آن کم شود.

۳. روسیه با ترکیه نیز مراودات اقتصادی دارد که این مراودات در مدت‌زمان محدودی با تنش و تحریم مواجه شد. ما درادامه دیدیم بیش تمایلی به طولانی‌شدن قطع تجارت با ترکیه از خود نشان ندادند و با ازسرگیری این روابط موافقت کرد. آیا این مسئله ناشی از همان خطر اتحاد اقتصادی روسیه و بدایل دیگری داشت؟

مسلما ضعف اقتصادی بی‌تاثیر نبوده؛ ولی نقش معادلات سیاسی و امنیتی نیز بزرگ بود. روسیه وارد خاورمیانه شده بود و نمی‌خواست کنونی را که نیویی تاثیرگذار در اینه واقعنی وارد کند. ازسرگیری تجارت بین مسکو و آنکارا را باید سه‌بُعدی دید که یکی اقتصادی و دو بُعد دیگر سیاسی و امنیتی است.

۴. با این اوصاف، روسیه در مقابل ترکیه‌ای که هویاییمان را سرنکون می‌کند و سفیرش در بایتخت آن کشور به قتل می‌رسد و.... به این آسانی و به دلیل منافع سیاسی – اقتصادی کوتاه می‌آید. بنابراین محتمل است به‌دلیل همان منافع سیاسی –اقتصادی، در مقابل آمریکا آسان‌تر وارد معامله شود؛ چه‌بسا این معامله بر سر ایران و خاورمیانه باشد. نظر شما چیست؟

برخلاف شوروی سابق ایدئولوژیک روسیه، امروز تصمیم را اخذ می‌کند که ضامن منافع ملی‌اش است. سیاست‌مدار واقع‌گرا، شرایط میدانی را می‌سنجد و براساس چوب خط منافع ملی، کنشگری می‌کند و با واکنش بنادگرایی اسلامی است. خیلی از کنیوهایی که در سوریه و عراق می‌جنگند، این کار را می‌کند. سیاست واقع‌گرا (رئال‌پلیتیک)، نه‌به‌معرفتی سرشن می‌شود و به واقع‌نیمه‌رادش ایانی دارد. نه کسی را دوست دانمی می‌داند نه با کسی را تا ابد دشمن است و منافع دائمی دارد. پوتین تاکنون خود را زمامداری واقع‌بین، عمل‌گرا و به دور از قیدوبندهای ایدئولوژیک نشان داده است. درعین‌حال، اقتصاد نحیف روسیه به ترمیم و توقیع نیاز دارد. ادامه مشکلات سیاسی و امنیتی روسیه، اوضاع اقتصادی این کشور را بدتر خواهد کرد. به کمانم روس‌ها از این آسیب‌پذیری آگاهند و نسبت به پیامدهای سوء آن حساس هستند.

۵. بنابراین احتمال یک معامله سیاسی- اقتصادی بین آمریکا و روسیه وجود دارد.

در کلیت محتمل است.

۶. در این معامله، ایران چه موقعیتی پیدا می‌کند؟

ایران به روسیه درحال‌حاضر به یکدیگر نیاز دارند. هرچند میزان این نیاز متقابل، کاملا یکسان نیست. با کمتدن یا رفع نیاز روس‌ها به ما، ممکن است آنها سر بزنگاه بر سر ما معامله نکنند.

۷. درحال‌حاضر روابط ایران و روسیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نوع روابط تهران و مسکو درحال‌حاضر بسیار پوکالتی است با صفحه امنیتی. بنق ناف هم. سوریه است. تا این بنق ناف باز نشده، و ایران عملا در حاشیه قرار خواهد گرفت. در رابطه با نزدیکی تروئیکا و ترامپ و اینکه آیا این نزدیکی می‌تواند در لوای تاثیری که با افزایش قدرت روسیه در منطقه می‌گذارد، موجب افزایش قدرت اقتصادی ایران هم شود، باید گفت «بعید می‌دانم». اگر روسیه از ایران مانند سابق استفاده ابزاری نکند و سعی کند برای تعدیل روابط ایران و روسیه تلاش و موضع مخالف آمریکا را تعدیل کند، می‌تواند روی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تاثیر بگذارد. چراکه آمریکایی‌ها اخیرا تحریم‌های یکجانبه‌ای را نسبت به ایران آغاز کرده‌اند و گفتند تحریم‌های بیشتری را هم اعمال خواهند کرد. بنابراین تحریم‌های یکجانبه مضاعف آمریکا به این ترتیب خواهد بود که اگر دیگران در این عرصه‌ها سرمایه‌گذاری کنند، در آمریکا تحریم خواهند شد. کشورهای اروپایی هم ارتباطات گسترده‌ای با آمریکا دارند. آنها ممکن است از این وضعیت ناراضی باشند، اما به ناچار مجبور رعایت شدند. بنابراین امکان سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی خارجی بعد از برجام، اگر آمریکایی‌ها به همین منوال پیش بروند، برقرار نخواهد شد و اروپایی‌ها به تبع آمریکایی‌ها خطوط بیشتری را رعایت خواهند کرد و از برخی سرمایه‌گذاری‌ها در ایران در حوزه انرژی می‌کنند.

اگر روابط آمریکا و روسیه سر مسئله سوریه به صورتی نقد که تعدیلی در نگاه آمریکا به جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود، این امر سبب می‌شود جذب سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی به‌ویژه از طریق کشورهای اروپایی که موردنظر ایران است، انجام شود. اگر چنین شود، مشکلات ما باقی خواهد ماند. زیرا تکنولوژی پیشرفته‌ای را که ایران نیاز دارد غرب و به‌ویژه آمریکا در اختیار دارد. بنابراین در درجه اول نیاز ما به سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف است.

در کلیت محتمل است.

۱. در این معامله، ایران چه موقعیتی پیدا می‌کند؟

ایران به روسیه درحال‌حاضر به یکدیگر نیاز دارند. هرچند میزان این نیاز متقابل، کاملا یکسان نیست. با کمتدن یا رفع نیاز روس‌ها به ما، ممکن است آنها سر بزنگاه بر سر ما معامله نکنند.

۲. درحال‌حاضر روابط ایران و روسیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نوع روابط تهران و مسکو درحال‌حاضر بسیار پوکالتی است با صفحه امنیتی. بنق ناف هم. سوریه است. تا این بنق ناف باز نشده، و ایران عملا در حاشیه قرار خواهد گرفت. در رابطه با نزدیکی تروئیکا و ترامپ و اینکه آیا این نزدیکی می‌تواند در لوای تاثیری که با افزایش قدرت روسیه در منطقه می‌گذارد، موجب افزایش قدرت اقتصادی ایران هم شود، باید گفت «بعید می‌دانم». اگر روسیه از ایران مانند سابق استفاده ابزاری نکند و سعی کند برای تعدیل روابط ایران و روسیه تلاش و موضع مخالف آمریکا را تعدیل کند، می‌تواند روی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تاثیر بگذارد. چراکه آمریکایی‌ها اخیرا تحریم‌های یکجانبه‌ای را نسبت به ایران آغاز کرده‌اند و گفتند تحریم‌های بیشتری را هم اعمال خواهند کرد. بنابراین تحریم‌های یکجانبه مضاعف آمریکا به این ترتیب خواهد بود که اگر دیگران در این عرصه‌ها سرمایه‌گذاری کنند، در آمریکا تحریم خواهند شد. کشورهای اروپایی هم ارتباطات گسترده‌ای با آمریکا دارند. آنها ممکن است از این وضعیت ناراضی باشند، اما به ناچار مجبور رعایت شدند. بنابراین امکان سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی خارجی بعد از برجام، اگر آمریکایی‌ها به همین منوال پیش بروند، برقرار نخواهد شد و اروپایی‌ها به تبع آمریکایی‌ها خطوط بیشتری را رعایت خواهند کرد و از برخی سرمایه‌گذاری‌ها در ایران در حوزه انرژی می‌کنند.

اگر روابط آمریکا و روسیه سر مسئله سوریه به صورتی نقد که تعدیلی در نگاه آمریکا به جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود، این امر سبب می‌شود جذب سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی به‌ویژه از طریق کشورهای اروپایی که موردنظر ایران است، انجام شود. اگر چنین شود، مشکلات ما باقی خواهد ماند. زیرا تکنولوژی پیشرفته‌ای را که ایران نیاز دارد غرب و به‌ویژه آمریکا در اختیار دارد. بنابراین در درجه اول نیاز ما به سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف است.

در کلیت محتمل است.

۱. در این معامله، ایران چه موقعیتی پیدا می‌کند؟

ایران به روسیه درحال‌حاضر به یکدیگر نیاز دارند. هرچند میزان این نیاز متقابل، کاملا یکسان نیست. با کمتدن یا رفع نیاز روس‌ها به ما، ممکن است آنها سر بزنگاه بر سر ما معامله نکنند.

۲. درحال‌حاضر روابط ایران و روسیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نوع روابط تهران و مسکو درحال‌حاضر بسیار پوکالتی است با صفحه امنیتی. بنق ناف هم. سوریه است. تا این بنق ناف باز نشده، و ایران عملا در حاشیه قرار خواهد گرفت. در رابطه با نزدیکی تروئیکا و ترامپ و اینکه آیا این نزدیکی می‌تواند در لوای تاثیری که با افزایش قدرت روسیه در منطقه می‌گذارد، موجب افزایش قدرت اقتصادی ایران هم شود، باید گفت «بعید می‌دانم». اگر روسیه از ایران مانند سابق استفاده ابزاری نکند و سعی کند برای تعدیل روابط ایران و روسیه تلاش و موضع مخالف آمریکا را تعدیل کند، می‌تواند روی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تاثیر بگذارد. چراکه آمریکایی‌ها اخیرا تحریم‌های یکجانبه‌ای را نسبت به ایران آغاز کرده‌اند و گفتند تحریم‌های بیشتری را هم اعمال خواهند کرد. بنابراین تحریم‌های یکجانبه مضاعف آمریکا به این ترتیب خواهد بود که اگر دیگران در این عرصه‌ها سرمایه‌گذاری کنند، در آمریکا تحریم خواهند شد. کشورهای اروپایی هم ارتباطات گسترده‌ای با آمریکا دارند. آنها ممکن است از این وضعیت ناراضی باشند، اما به ناچار مجبور رعایت شدند. بنابراین امکان سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی خارجی بعد از برجام، اگر آمریکایی‌ها به همین منوال پیش بروند، برقرار نخواهد شد و اروپایی‌ها به تبع آمریکایی‌ها خطوط بیشتری را رعایت خواهند کرد و از برخی سرمایه‌گذاری‌ها در ایران در حوزه انرژی می‌کنند.

اگر روابط آمریکا و روسیه سر مسئله سوریه به صورتی نقد که تعدیلی در نگاه آمریکا به جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود، این امر سبب می‌شود جذب سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی به‌ویژه از طریق کشورهای اروپایی که موردنظر ایران است، انجام شود. اگر چنین شود، مشکلات ما باقی خواهد ماند. زیرا تکنولوژی پیشرفته‌ای را که ایران نیاز دارد غرب و به‌ویژه آمریکا در اختیار دارد. بنابراین در درجه اول نیاز ما به سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف است.

غلامرضا نظربلند در گفت‌وگو با «شرق»، اثر دوستی رؤسای جمهور آمریکا و روسیه بر اقتصاد جهانی، خاورمیانه و ایران را بررسی می‌کند

برنامه راهبردی ترامپ مهار چین است

انتخاب ترامپ تا اینجا برای پوتین مائده آسمانی بوده

سیدمسعود آریادوست

عکس: امیر حیدری شرق

وقتی از معامله آمریکا و روسیه بر سر ایران و احتمال محاصره اقتصادی کشور و تاثیرش بر قیمت نفت سؤال می‌کنم، ابتدا مکث می‌کنند، عینکش را پاک می‌کند، جرعه‌ای چای می‌نوشد و چنین پاسخ می‌دهد: «من اگر دانی‌جان نایلئون بودم، می‌گفتم اینها ترامپ را سر کار آورده‌اند تا ایران را تحریم نفتی کنند و به واکنش‌های تند، نظیر بستن تنگه هرمز وادارد و به‌این‌ترتیب، موجب افزایش شدید قیمت نفت شود. آنگاه آمریکا برای برداشتن ممنوعیت ۴۰۰ساله صادرات نفت خود، توجیه کافی پیدا کند و بیاید و کمبود عرضه را جبران کند و از قبل افزایش قیمت نفت، پول کلانی هم به جیب بزند، بنده ضمن تصمیم‌گیری در سپهر سیاست، میال مدارتان بیرون‌بردن از پیروز میدان است؛ او توانسته کسی را که می‌خواسته، از صندوق رأی بیرون بیاورد! اگر روسیه حداقل با سکوت و انفعال خود با برنامه احتمالی مهار چین همراهی نکند، شرایط برای آمریکا خیلی دشوار خواهد شد. آمریکا نمی‌تواند همزمان با دو جبهه درافتد. عده‌ای معتقدند روسیه با یک کند و دست از مهار چین بردارد.

موضوع انرژی، پیشینه نفتی چین مواضعی را به باد می‌آورد و هنوز با شبه‌سازی وامی‌دارد.

۱. تاریخ نشان داده که هرگاه قیمت نفت خیلی بالا رفته، پشت سر آن اتفاق سیاسی- نظامی ناگواری رخ داده است.

البته نه همیشه! متأسفانه در صد سال اخیر در مواردی از نفت، خون جاری شده است. ظاهرا، کارنامه جمهوری‌خواهان در این مورد از دموکرات‌ها بدتر است. اما فراموش نکنیم که خشونترین جنایات جنگی را رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا در جنگ دوم جهانی خود مرتکب شد. بمباران «درسدن» در شرق آلمان در چهار نوبت در ۲۴ ساعت با بیش از پنج هزار تن بمب، بیش از هزار نفر از اهالی عمدتا غیرنظامی شهر را کشت. آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها تاکنون از کار ممکن را کردند. باز اول، بمباران کردند و بارهای بعدی بمب‌های عمل‌کننده را بمباران کردند! به‌کمانم، تاکتیک کروه‌های تروریستی به‌ویژه در عراق بعد از حمله آمریکا به آن کشور، از همین تاکتیک مشترک آمریکایی- بریتانیایی سرمنشأ گرفته است. این تروریست‌ها بعمل اول را منفجر می‌کنند، بعد که مردم جمع می‌شوند، بعمل دوم را منفجر می‌کنند تا حداکثر تلفات انسانی را وارد کنند! البته زمان دیگر آن زمان نیست و حداقل دولت‌ها در ارتکاب جنایت و نقض حقوق اولیه انسانی دیگر مثل گذشته مسوولیت نیستند.

۲. یعنی بسا افزایش قیمت نفت فضای حاکم به آن سمت نمی‌رود؟

ببینید، شرایط عمل‌کرد ترامپ خیلی با ۱۰ سال پیش هم فرق کرده است. مثلا همین روی‌کارآمدن ترامپ، نقطه کانونی عقده‌گشایی سرزمینی» روس‌هاست. کریمه جشمداشت سرزمینی روس‌هاست، شاید هم حق آنهاست. به‌علاوه، حاکوریز اول است. حتی اگر جدایی آن از روسیه را هم به رسمیت بشناسیم، بازهم همسایه بلافصل آن کشور است. توجیه پوتین این است که قطعه‌ای از خاک روسیه را به مام میهن برگردانده است. این الحاق، ارزش معنوی و حیثیتی و بار معنایی زیادی دارد.

۳. با این اوصاف، منافع اقتصادی روسیه در اشغال کریمه نیست.

همه‌چیز در منافع اقتصادی خلاصه نمی‌شود.

۴. اما وقتی تصمیمی به اقتصاد کشوری خیلی می‌زند، می‌تواند کنار گذاشته شود.

دنیای غرب اگر در مقابل الحاق کریمه به روسیه دست‌کم سکوت کند، آن‌گاه برداشتن تحریم‌ها آسان و موفقیت بزرگی برای روسیه محسوب می‌شود. این رخداد احتمالی بسترساز بازسازی روابط اقتصادی روسیه و غرب خواهد بود و علاوه بر منفعت اقتصادی، امتیازی با جایگاه امنیتی به شمار می‌رود.

۵. اگر آمریکا الحاق کریمه را به‌رسمیت بشناسد و تحریم‌ها را بردارد، می‌توان انتظار داشت که روسیه هم امتیازهایی بدهد. در این صورت آیا خاورمیانه و ایران وارد ماجرا خواهد شد یا خیر؟

تا وقتی به فلسفه وجودی حضور نظامی روسیه در سوریه نپردازیم، این معادل‌سازی‌ها و مابازای طرح‌کردن‌ها، فرضی است.

۶. یعنی حتی امتیازهای اقتصادی غرب به پوتین هم نمی‌تواند روسیه را در این جهت تحریک کند؟

حضور روسیه در خاورمیانه فراتر از روابط تهران – مسکو است. توروریسم کوری که در سوریه و عراق خیمه زده، برای روسیه تهدیدی جدی است. این کشور هم در خاک پهناورش و هم در خاطرات و اعماق استراتژیکش به‌ویژه در جمهوری‌های آسیای مرکزی جایگسترش و ارکستان تهدید می‌شود. این مناطق بخشی و خاکستر و خاستگاه بنادگرایی اسلامی است. خیلی از نیروهایی که در سوریه و عراق می‌جنگند، از اینجا می‌آیند. بنابراین حضور نظامی روسیه در سوریه را باید ذیل دغدغه‌های امنیتی آن کشور تحلیل کرد. به‌غیر از این، سوریه تنها جا یای روس‌ها در خاورمیانه است. آنها در دلاقیه و طرطوس پایگاه هوایی و دریایی دارند؛ اگر این پایگاه‌ها را از دست بدهند، ارتباط آب‌بُن‌ان با منطقه قطع می‌شود و حضورشان در یکی از حساس‌ترین نقاط عالم به پایان می‌رسد.

**۷. به‌درحال شرایط اقتصادی